

# فرهنگ و اخلاق کار در ایران

(نگرش به کار در متون دینی ایران پیش و پس از دوره اسلامی)

دکتر سعید معینفر

غرس کند، زمین خشک را آب دهد و زمین پررطوبت و باتلاقی را خشک و قابل کشت نماید عامل نشاط زمین است. سراسر نوشته‌های اوستا، زندگی توأم با نیکی، شرافت و کار ستوده شده است.

اوستا، فلسفه، اخلاق و آداب و شیوه‌های زندگی قوم ساده و سخت‌کوشی را نمایش می‌دهد که همه بزرگ و کشاورزاند و برای ادامه حیات و بهتر کردن زندگی خود و جامعه انسانی گریزی غیر از کار و تلاش نمی‌شناسند.

☑ وضع کار در ایران پیش از دوره اسلامی

در دوره هخامنشیان کارهایی همچون تجارت، پست شمرده می‌شد ولی معماری ستوده بود. در این دوره‌ها زندگی مردم عادی کاملاً تحت سیطره حکومت‌های پادشاهی آن

نخل با بز که هر کدام می‌توانند نماینده گروه‌های کاری (و طبقات کار) در ایران باستان تلقی شوند. در این مباحثه که به شکل اشعار مفصلی آمده هر کدام به شرافتهای زندگی و نوع معیشت و اثری که در زندگی دارند اشاره می‌کنند. مثال بالا تنها نمونه از آثاری است که می‌تواند بررسی و تحقیق شود.<sup>(۱)</sup>

در دوره‌ای که ایرانیان آیین زرتشت را به عنوان دین رسمی پذیرفته بودند، اوستا خاستگاه ارزشی و روابط اجتماعی بوده است. اوستا، برخلاف دیگر ادیان، به زندگی بشری و این دنیایی اهمیت می‌دهد و به شرح وظایف دنیوی انسان می‌پردازد. در اوستا آمده که فضیلت از آن کسی است که بیشتر کار کند، جهد ورزد، شخم بزند و محصول بردارد. کسی که بیشترین مقدار گندم را کشت نماید، بیشترین سبزیها را بکارد، بیشترین درختها را

بررسی فرهنگ کار در ایران نیازمند بسیار وسیع از تاریخ ایران است. این بررسی باید به شکل تحلیل محتوای متون ادبی، مذهبی و تاریخی صورت گیرد و از آن، گرایشهای فطری و درونی ایرانیان نسبت به موضوع کار استخراج و کشف شود (که این نیازمند تحقیقی جداگانه است). از طرفی باید ساخت شهری، روستایی، سیاسی، فرهنگی و جغرافیایی ایران مورد بررسی وسیع قرار گیرد تا احتمالاً زمینه‌های شکل‌دهنده گرایشات فرهنگی در رابطه با کار مشخص شود. در این رابطه هیچ منبع و اثری از گذشته، نمی‌تواند بی‌تأثیر باشد. جزء جزء آثار تمدنی و فرهنگی گذشته دارای پیام‌هایی هستند که می‌تواند ما را به گرایشهای فرهنگی کار هدایت کند. به عنوان مثال، می‌توان به اثر درخت آسوریک از سروده‌های بسیار قدیمی ایران باستان اشاره کرد که در واقع، مباحثه درخت آسوریک یا

دورانها قرار داشتند و استعدادها و خلاقیت‌های آنان جز در محدوده آزادی‌های اعطا شده به آنان بارور نمی‌شده است. به عبارت دیگر، از ظهور شخصیت فردی و آزادی اجتماعی، آنچنان که در جوامع امروزی وجود دارد، خبری نبوده است. در عصر ساسانیان که آیین زرتشت آیین رسمی اعلام شد و در آغاز حکومت، وجوه هنگفتی را برای امور فرهنگی، ساختمان مدارس و مراکز علمی و ساختن کاخها اختصاص داده می‌شد. برای زیباسازی شهرها، ایجاد قنوت، ساخت سدها و انتقال آب کوشش می‌شد. شهرها توسعه می‌یافتند و... اما در پیش گرفتن شیوه‌های استبدادی، اوضاع را دگرگون ساخت. سختی استبداد و زندگی در محنت، رنج و فقر، مردم را بیچاره‌تر ساخت و آنان را از لحاظ روانی از زندگی واقعی دورتر ساخت. اعتقادات زرتشتیان، دیگر موضوعیت نداشت. (۲)

فرهنگی جمعی و عام نشده است و این شاید خود به این دلیل باشد که جامعه ایران در این دوره از هم فرو پاشیده و شناسایی فرهنگ ملی در این دوره به سختی امکان‌پذیر است. خصوصاً که با ظهور سلسله‌هایی مانند قاجار، این موضوع به شکل وخیم‌تری قابل مشاهده است.

### \*\*\*

**به هر حال آن چه در تحقیق اخلاق و فرهنگ کار در ایران بعد از اسلام باید باید توجه کرد، فاصله‌ای است که بین ایده‌های فرهنگی اسلام و فرهنگ واقعی وجود دارد.**

### \*\*\*

به هر حال، آن چه در تحقیق اخلاق و فرهنگ کار در ایران بعد از اسلام باید به آن توجه کرد «فاصله‌ای است که بین ایده‌های فرهنگی - اسلام و فرهنگ واقعی وجود دارد». (۳)

باید توجه کرد که در ایران «ساختار کلی در سطح کلان جامعه» به خصوص ارزشهای مربوط به تفاهم سیاسی، ارزشهای غالب به طور عمده انتسابی بوده و ارزشهای اکتسابی جایی نداشته است و یا جایگاهش محدود بوده است. «غلبه وابستگی و وفاداری شخصی بر لیاقت، اهمیت قدرت در تصرف منابع کمیاب، وراثت خانوادگی با کار به عنوان

## □ - وضع کار در ایران پس از دوره اسلامی

پس از استیلای اسلام در ایران، همان گونه که گفته شد، وضعیت غالب در ایران، جنگ، ناامنی و وحشت و بنابراین عدم برنامه‌ریزی برای آینده بود. ادبیات ایران در این دوره به برخی از عناصر به وجود آورنده اخلاق و فرهنگ کار اشاره دارد. اما این ادبیات، هرگز فرهنگ غالب و اخلاق حاکم را تشکیل نداد. اگر چه وجدانهای فردی از این ادبیات ارضاء و قانع شده‌اند ولی هر جزء این ادبیات تبدیل به

ارزشی فی‌نفسه در تعارض بوده و اخلاق کار را تضعیف می‌کرده است. (۴)

### \*\*\*

**در جامعه ما، علیرغم وجود عناصر مثبت بسیار در فرهنگ آرمانی دینی (که در آن به کار ارزش بسیار داده می‌شود)، نیز علیرغم سنت امامان در ارج نهادن به کار و تأکید بیشتر بر ارزش اکتسابی تا انتسابی و همچنین علیرغم وجود ارزش‌های مثبت نسبت به کار در «سازمان سنتی کار» از جمله در روستا و سازمان کشاورزی و اصناف، در ساختار کلی جامعه ارزش‌هایی غلبه دارد که اخلاق کار و به تبع آن وجدان کاری را تضعیف می‌کند.**

### \*\*\*

## □ - فرهنگ و اخلاق کار در ایران عصر صفوی

عصر صفوی، به ویژه شاه‌عباس اول، را باید شکوفه‌ترین دوران تمدن ایرانی بعد از اسلام نامید. در این عصر، تمدن ایرانی بر بسیاری از تمدنهای هم عصر خود در اروپا پیشی جسته و موقعیت ممتازی در ایران پیدا شده بود. اروپاییان که در آن عصر به ایران، و به ویژه پایتخت آنها اصفهان آمده‌اند از ایران در ابعاد مختلف، به ویژه آبادانی و صنعت و هنر به نیکی یاد کرده‌اند و به شرایط مساعدی

اشاره کرده‌اند که حاصل جدیت، پشتکار و نیز فرهنگ و اخلاق کار ایرانیان در آن عصر است. یکی از کسانی که در آن دوران به ایران آمده ژان شاردن فرانسوی است که سرگذشت اقامت خود را در ایران از سال ۱۶۶۴ تا ۱۶۷۷ میلادی در ده جلد نوشته است. ویل دورانت به نقل از او می‌گوید: شاردن به ایران دل باخت و آن را بهتر از پاریس یافت و چنان زیبایی دل‌انگیزی در هوای ایران دید که چنین نوشت: «خودم نه می‌توانم آن را از یاد ببرم، نه از تعریف آن برای دیگران خودداری کنم». به عقیده او، آسمان روشن ایران، در هنر این کشور تأثیر کرده و جلا و رنگ درخشانی به آن بخشیده و خوشبختانه در روح و جسم ایرانیان اثر داشته است. ویل دورانت در ادامه می‌گوید: متأسفانه این بهشت حاصلخیز و اقامتگاه خلفای جواهرنشان و شعرای شیرین‌سخن، بر اثر حملات مغولان، تجزیه قدرت دولت و خراب شدن راه‌های آبی که به منزله شریان‌های حیاتی هستند و همچنین بر اثر تغییر راه‌های تجاری، رو به ویرانی نهاده بود؛ کش راه تماماً آبی از اروپای باختری به هندوستان و چین، ایران را از لحاظ اقتصادی از فعالیت بازداشته بود. اما بعد از بازپس‌گیری هرمز از پرتغالیها توسط شاه‌عباس کبیر و ایجاد بندر عباس، ایران تا حدودی مجدداً محل داد و ستد و این امر باعث رونق هنر و تجمل هوره سلطنت او شد. کاروانها از طریق ایران از غرب به شرق می‌رفتند و در ضمن راه،

ثروتی نیز در شهرها باقی می‌گذاشتند.<sup>(۵)</sup> ویل دورانت یکی از دلایل رونق کسب و کار و آبادی‌های ایران در عصر صفوی را در آن دانسته که «هرکس که دارای لیاقت و ادب بود می‌توانست در دربار شاه ترقی کند، زیرا اشرافیت موروثی نبود». ویل دورانت سپس به ابعاد مختلف هند و صنایع ایران در آن عصر و شکوفایی و برتری آن بر هنر و صنایع دیگر جوامع اشاره می‌کند. شعر، موسیقی، نقاشی، مینیاتور و خوشنویسی در بُعد هنر و کاشیکاری، سفالگری، قلمزنی، قالیبافی و پارچه‌بافی و منسوجات در بُعد صنعت از جمله هنرها و صنایعی هستند که مورد توجه او در آن عصر قرار گرفته است. درباره صنعت پارچه‌بافی ایران می‌گوید: «پارچه‌بافی صنعت و هنر عمده‌ای بود، طراحان، بافندگان و رنگرزان قسمت عمده‌ای از شهر اصفهان را به خود اختصاص داده بودند و شماره آنان به هزاران نفر می‌رسید. محصولات آنان قسمت اعظم صادرات ایران را تشکیل می‌داد و شهرت ایران در بافتن اطلس، مخمل، تافته و پارچه‌های گلدوزی شده در اطراف و اکناف جهان بیشتر می‌شد. شاه‌عباس هنگامی که می‌خواست هدیه مخصوصی به کسی بدهد، معمولاً یکی از شاهکارهای بافندگی ایران را انتخاب می‌کرد... شاردن نیز می‌نویسد: «هنر رنگرزی در ایران ظاهراً بیش از اروپا پیشرفت کرده است و رنگ‌های ایرانی به مراتب یکدست‌تر و روشنتر و ثابت‌ترند، نظیر مخمل‌های کاشان در هیچ جا بافته نمی‌شود. قطعاتی از آنها جزو اشیای پربهای موزه‌های

بوستن، نیویورک، سان‌فرانسیسکو و واشنگتن هستند... منسوجات ایرانی در زمینه طرح و بافت در پهنه قالی و قالیچه به حد اعلای خود رسیدند و در عصر شاه‌عباس این هنر در ایران به آخرین مرحله پرافتخار خود نایل شد.<sup>(۶)</sup>

### \*\*\*

**در شرایط امروز نگرش‌های منفی نسبت به فرهنگ و اخلاق کار ایرانیان وجود دارد و در سالهای اخیر نیز این نگرش از سوی مسئولین جامعه نیز بارها مورد تأکید قرار گرفته و سعی شده راهکارهایی برای تقویت وجدان و اخلاق کار به‌عنوان پشتوانه اصلی توسعه پیدا شود.**

### \*\*

علیرغم شرایطی که مانع از رشد و ارتقای فرهنگ کار در ایران در طی اعصار و قرون گذشته بوده است، از جمله ساختار سیاسی استبدادی ایران و نیز ناامنی ناشی از تعرض اقوام شرقی غیرتمدن، مانند مغول‌ها و یا هجوم امپراطوری‌های روم و یونان به ایران، به هر حال استقرار تمدن‌های بزرگ در دوره هخامنشیان، ساسانیان و صفویه و نیز آثار به جا مانده از کار و تلاش قوم ایرانی و تمدن‌های گذشته نشان از سخت‌کوشی و فرهنگ بالای کار ایران دارد.

«ایرانیان از چندین هزار سال پیش

اقدامات شگفت‌آوری در زمینه بستن بند و سد و گوراب و حفر کوره و میله پنجاه هزار قنات، که عمق آنها به اندازه مسافت رفت و برگشت از زمین تا کره ماه است و لایروبی هرانک تا سی آخورهای و کشت کوزه‌ای و سبویی و کشت آدوری و... انجام داده‌اند، که همگی آنها در نوع خود بی‌نظیر هستند» (۷)

\*\*\*

**توسعه در خارج از بستر اصلی سازمانهای کار سنتی نه تنها موجب عدم تداوم اخلاق کار این سازمانها شده، بلکه عرصه را بر این سازمانها و به تبع آن اخلاق کار سنتی تنگ کرده است.**

\*\*\*

«در جامعه ما، علیرغم وجود عناصر مثبت بسیار در فرهنگ آرمانی دینی (که در آن به کار ارزش بسیار نهاده می‌شود) و نیز علیرغم سنت امامان در ارج نهادن به کار و تأکید بیشتر بر ارزش اکتسابی تا انتسابی و همچنین علیرغم وجود ارزش‌های مثبت نسبت به کار در «سازمان سنتی کار» از جمله در روستا و سازمان کشاورزی (۸) و اصناف (کیوانی، ۱۹۸۲) در ساختار کلی جامعه ارزش‌هایی غلبه دارد که اخلاق کار و به تبع

آن وجدان کاری را تضعیف می‌کند. شواهد بسیاری وجود دارد که در کارگاه‌های خانوادگی، کارگاه‌های شهری فناوران، سازمانهای جمعی کشاورزی در روستا و حتی در واحدهای بازرگانی و تجاری، کار به عنوان ارزشی بی‌ارزش تلقی می‌شده و مبنای ارتقاء و رشد قرار می‌گرفته است. در این واحدها - که سازمانهای عمده کار در جامعه بوده‌اند - معیارهای کاری رعایت می‌شده است؛ افراد کار را به عنوان جلوه و بروز جوهره خویش تلقی کرده، وجود خویش را در کار متجلی می‌ساخته‌اند. (۹) چنان که در سازمان علمی، در میان اهل علم و هنرمندان - که آن را هم می‌توان نوعی سازمان کار دانست - شواهد متعددی وجود دارد که علما و اهل دانش و هنر وجود خود را در کار خویش نهاده و از صرف نیرو و وقت برای ارایه کاری در حد کمال دریغ نکرده‌اند. برای نمونه می‌توان به گزارش‌های مربوط به حیات اجتماعی ایران در دوره صفویه و آنچه سفرنامه نویسان درباره بازار، حرفه‌ها، کارگاههای سلطنتی در شهر و نیز عمل کشاورزان در روستا نوشته‌اند، مراجعه کرد. (۱۰) همچنین آثار به جا مانده از آن دوره حاکی از قوت وجدان کاری در سازمانهای کار در گذشته بوده است. در سازمانهای سنتی کار هم، که هنوز بقایای آن وجود دارد، نشانه‌های قوت وجدان کاری قابل شناسایی است (از جمله کارگاههای قالیبافی و صنایع دستی، واحدهای کشاورزی در روستا و...) (۱۱)

## □ وضع فرهنگ و اخلاق کار در

### ایران امروز

در مجموع، در شرایط امروز نگرش‌های منفی نسبت به فرهنگ و اخلاق کار ایرانیان وجود دارد و در سالهای اخیر نیز این نگرش از سوی مسئولین جامعه نیز بارها مورد تأکید قرار گرفته و سعی شده راهکارهایی برای تقویت وجدان و اخلاق کار به عنوان پشتوانه اصلی توسعه پیدا شود. البته، گفته می‌شود هنوز در حوزه زندگی سنتی از جمله روستاها آثاری از سخت‌کوشی و جدیت در کار، لیکن به ویژه در شهرها وجدان کاری ضعیفی وجود دارد. دلایلی برای این ضعف فرهنگ و اخلاق کار در شرایط فعلی ایران ذکر شده است که در اینجا به سه مورد اشاره می‌شود یکی از آنها تحقیقی است که در سال ۷۷ توسط نگارنده انجام گرفته است.

## □ توسعه برونزا علت اصلی ضعف

### وجدان کاری در ایران

جامعه ایران در برخورد با غرب فرآیند «توسعه برونزای» خود را تحت تأثیر غرب آغاز می‌کند. برونزایی توسعه موجب شده در اقدامات توسعه‌ای و گسترش سازمانی، ارزش‌های نظام اجتماعی کل، به ویژه نظام سیاسی، گسترش یابد تا ارزش‌های سازمانهای کار سنتی. زیرا اقدامات توسعه‌ای به طور عمده توسط کارگزاران سیاسی و اداری و در بستر همان فرهنگ انجام شده است. توسعه در خارج از بستر اصلی سازمانهای کار سنتی، نه تنها موجب عدم تداوم اخلاق

کار این سازمانها شده، بلکه عرصه را بر این سازمانها و به تبع آن اخلاق کار سنتی تنگ کرده است. زوال رویه‌های استاد-شاگری در دهه‌های گذشته، که رویه معمول میان اصناف بود و در آن ارزش‌های سنتی کار به شاگردان انتقال می‌یافت، نشانه ضعف و حتی قطع بنهت‌های کاری گذشته است. در مقابل، رشد کارگاهها و کارخانه‌هایی که ابتدا توسط دولت، وابستگان آن و یا بعضی از تجار تأسیس و راه‌اندازی شد.<sup>(۱۲)</sup> و استخدام کارگر و کارمند به عنوان مزدبگیر دولت و بخش خصوصی<sup>(۱۳)</sup> و عدم پیوند آن با سازمانهای سنتی کار از یک سو و تلقی افراد از شغل خود به عنوان شغل دولتی، فرهنگی را توسعه بخشید که کار در آن جایگاهی فروتر از سازمانهای سنتی کار دارد.

همچنین وجود ارزش‌هایی چون اشرافیگری و ارزش‌های وابسته به آن چون تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی در فرهنگ مرتبط با نظام سیاسی و غلبه آن در سطح کلان جامعه، از عواملی است که در نظام فرهنگی تداوم یافته است و در جهت تضعیف ارزش فی‌نفسه کار عمل می‌کند.

از سوی دیگر، توسعه پروتزای ایران، ارزش‌هایی را در جامعه اشاعه داده که لازمه توسعه سرمایه‌داری در پیرامون خویش بوده و مهم‌ترین آن «مصرف‌گرایی» و «تنوع‌گرایی در مصرف» است که از لوازم بقا و تداوم نظام سرمایه‌داری به شمار می‌رود.<sup>(۱۴)</sup> این ارزش‌ها که با پشتوانه قرار دادن ارزش‌های درونی اشرافیگری، تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی،

هرچه بیشتر تقویت می‌شوند، در فرهنگ جامعه، گروهی را تشکیل می‌دهند که در جهت تضعیف اخلاق کار عمل می‌کند.<sup>(۱۵)</sup> در دهه گذشته و در جریان اجرای برنامه‌های توسعه، که از لحاظ نظری از الگوی نوسازی و توسعه اقتصادی مبنی بر رشد مصرف تبعیت می‌کند، این ارزش‌ها باز هم تقویت شد.

### ویل دورانت یکی

#### از دلایل رونق کسب و

#### کار و آبادی‌های ایران در

#### عصر صفوی را در آن دانسته

#### که «هرکس که دارای لیاقت

#### و ادب بود می‌توانست در

#### دربار شاه ترقی کند، زیرا

#### اشرافیت موروثی

نبود».

از سوی دیگر، گرایش مذکور به تبعیت از الگوی نظری، نوسازی موجب قوت یافتن روندهای توسعه‌ای سرمایه‌داری و به تبع آن پذیرفتن «پول» به عنوان ارزشی اساسی در فرهنگ بالفعل و موجود جامعه شد، چنان که در یک نظرخواهی در سال ۱۳۷۴، ۷۷/۳ درصد جمعیت بر اهمیت پول‌گرایی در جامعه تأکید داشتند.<sup>(۱۶)</sup> هم‌زمان با این جریان، نوسانات اقتصادی دو دهه گذشته و دست یافتن افراد به پول‌های باد آورده در جریان این تغییرات موجب شد، پول - که در مباحث اقتصادی به عنوان «کار تبلور یافته» شناخته

می‌شود - به صورت کالا و غنیمی درآید که دستیابی به آن لزوماً به انجام کار همراه نیست، بلکه زرنگی، اطلاع از اوضاع و مهم‌تر از همه «شانس و اقبال» بیشتر از کار در آن سهم دارد.

### □ اقتصاد مبتنی بر نفت علت مهم

### دیگری برای ضعف وجدان و اخلاق

#### کاری در ایران امروز

آقای مرتضی فرهادی در مقاله «صنعت در برابر سنت یا برفراز آن» با نقد اندیشه کسانی که معتقدند در ایران فرهنگ و اخلاق کار وجود ندارد و علت توسعه نیافتگی ایرانیان ناشی از خلق و وجدان ایرانیان است، می‌گوید: کلیه کسانی که توسعه نیافتگی کشورهایی نظیر ایران را ناشی از عواملی همچون محافظه‌کاری و مقاومت در برابر نوآوری، قدر‌گرایی و یا تک‌روی، خودمحموری، واپس‌گرایی و عدم انگیزه برای پیشرفت می‌دانند، نظرشان برخاسته از تجربیات عمیق و دست اول و مشاهده واقعیت زندگی مردمان این کشورها نیست. در حالی که طبق تخمین نگارنده، تا نیم قرن قبل، حداقل به تعداد یک میلیون نفر در ۲۰۰۰۰۰ بُنه در سراسر ایران به صورت دسته‌جمعی و گروهی کار می‌کرده‌اند و تقریباً صد درصد روستاهای آبی‌کار در کار آب و آبیاری، خودیاری و شگفت‌آوری در زمینه بستن بند، سد و حفر چاه و قنات داشته‌اند و طول قنات‌های ایران به اندازه مسافت رفت و آمد از زمین تا ماه است. نویسنده مقاله مزبور معتقد است

توسعه نیافتگی ایران ارتباطی با مسایل و موانع فرهنگی ندارد، بلکه واقعیت این است که آنچه گریبان توسعه را در کشورهایی با تمدن کهن و اقتصادی باد آورده، گرفته است، از یک سو شیوه تحمیل شده بر ما و از سوی دیگر، روشی است که ما خود برای زندگی در زیر سایه دکل‌های نفت انتخاب کرده‌ایم. این گزینش اعم از اینکه اختیاری، یا اجباری و یا ترکیبی از این دو باشد، موجب دور شدن ما از فرهنگ و سنت‌های چند هزار ساله و همچنین هنجارهای درست «کار» و فرهنگ تولید و آینده‌نگری شده است. به نحوی که ما را به مصرف و روزمرگی و در زمان حال زیستن و پشت برگزیده کردن و در نتیجه، بی‌اعتنایی به آینده، عادت داده است. «اکنون زمین ما ریشه ندارد، شاخ و برگ هم نمی‌دهد» (۱۷)

مصرف بی‌رویه و غیرمنطقی ثروتی که از انباشت انرژی خورشید در طی میلیون‌ها سال در زیر خاک کشورهای نفت خیز عالم پدید آمده است، مصداق عینی «بادآورده را به باد

دادن» است. درآمد بادآورده حاصل از فروش نفت، اگر چه نسبت به حجم و ارزش واقعی نفت، ناچیز است، اما در کشورهای نفت خیز و کشورهای متکی به صنایع استخراجی، نوعی احساس بی‌نیازی به تولیدات داخلی ایجاد کرده است. به نحوی که این احساس، موجب جدا کردن آنها از مجموعه‌های پیچیده ارزشی و هنجاری فرهنگ تولیدی و دانش‌ها و فناوری‌های چند هزار ساله‌شان شده است. چنین اقتصادی، سبب پیدایش اشرافیتی دروغین و بی‌کارکرد در میان توده‌های این ملت‌ها شده و مصرف‌گرایی بی‌حد و حصری را در میان آنها دامن زده است.

سیاست‌های مخرب اقتصادی و فرهنگی دیکته شده و یا القا شده از سوی کارشناسان بیگانه و یا کارشناسان بومی، آنچنان به انحاء مختلف در ارزش‌ها و هنجارهای تولیدی آنها تخریب ایجاد کرده که فرهنگ بومی را به طور اعم و فرهنگ تولیدی آنها را به طور اخص فلج کرده و از کار انداخته است. این تخریب

همچنین به فراموشی و نابودی بخش عمده‌ای از دانش‌ها و فناوری‌های سنتی در زمینه صنایع، کشاورزی سنتی و هنرهای بومی انجامیده است. حال آن‌که، رمز موفقیت کشورهای سنتی متمدن شرقی همچون ژاپن، چین، هند و کره، در دستیابی به توسعه، عدم اتکاء به درآمدهای بادآورده و برخورداری از تاریخ و فرهنگ پر بار باستانی و رهان کردن جوهره فرهنگ بومی و فرهنگ تولیدی، ارزش‌ها، دانش‌ها و فناوری‌های آن بوده است.

در پایان می‌توان گفت اوج سختی و عصبیت در کار مردم مشرق زمین و تمدن‌های باستانی آن، در کشورهایی با اقتصاد بادآورده و استخراجی، تبدیل به اشرافیتی دروغین و با حداقل «آب باریکه» ای برای معاش بدون تلاش شده، اما در کشورهایی که فاقد این ثروت بادآورده بودند، مانند ژاپن، چین، هند و برخی کشورهای پیرامون آن، همچنان باقی مانده است.

\*\*\*\*\*

- ۱- ابطی، ۱۳۷۵، ص ۲۳.
- ۲- فاطمه حاجیه، بی‌تا.
- ۳- رجب زاده، ۱۳۷۶، ص ۷۱.
- ۴- همان منبع.
- ۵- ویل دورانت، جلد ۷، ص ۶۲۶.
- ۶- ویل دورانت، جلد ۷، ص ۶۳۱.
- ۷- (فرهادی، ۱۳۷۵، ص ۴۰).
- ۸- فرهادی، ۱۳۷۵، ۴۰-۳۹.
- ۹- موسی رضا، ۱۳۷۲، ص ۱۴۸-۱۴۷.
- ۱۰- اشرف، ۱۹۷۰ و فوران، ۱۹۹۳.
- ۱۱- فرهادی، ۱۳۷۵.
- ۱۲- منصور بیخت، ۱۳۷۰.
- ۱۳- رونسون، ۱۳۵۸، ص ۱۷۰.
- ۱۴- اسکلیر، ۱۳۷۴.
- ۱۵- کلاتری، ۱۳۷۲، ص ۳۴.
- ۱۶- آل احمد، ۱۳۴۱، ص ۴۴.